

ادامه از صفحه اول

قوه قضائیه باید استقلال مالی داشته باشد

در پایان جلسه خبرنگاری از ایشان پرسیده بود درست است که در پاکستان قضات دادگستری دارای چک سفیدامضا برای تأمین هزینه‌های خود هستند. پاسخ داده بود اینکه قاضی چک سفیدامضا داشته باشد درست نیست اما قضات کشور پاکستان بعد از تصدی پست قضا به علت شأنیت مقام قضائی از چنان رفاهی برخوردارند که کمترین دغدغه معاش را ندارند، خانه، وسیله نقلیه، مرخصی سالانه و استفاده از امکانات رفاهی بیمه خود و خانواده و خلاصه قضات پاکستان دغدغه معاش ندارند. به یاد سخنان حضرت علی (ع) در نامه به مالک اشتر افتاد که می‌فرمایند... حقوق قاضی را افزون کن و آن قدر به او ببخش که فقر او را برطرف و نیاز او به مردم را کم کند... منزلت او را نزد خود چنان کن که هیچ کس از خواص تو در آن طمع نوزد تا بدین وسیله قاضی از توطئه آنان زد تو در امان باشد (برگرفته از فرمان مولا علی به مالک اشتر). برای نخستین بار بعد از برقراری نظام جمهوری اسلامی، کارکنان دستگاه قضائی و بعضی قضات از ریاست محترم قوه قضائیه اجرای آن بخش از فرمان حضرت علیی به مالک اشتر نسبت به قضات را خواستار شدند. اینکه گفته شود کار معترضان به وضع مالی خود در دستگاه قضا چنین است و چنان و کارمندان و قضات شریف دادگستری را مورد خطاب قرار دادن به باور من نوعی فرافکنی است. اصل مطلب به گفته ریاست محترم قوه قضائیه -در جلسه هفتم بهمن ماه در مراسم دیدار رسمی با قضات و کارکنان دادگستری خراسان رضوی- این است که این حجم از کار باعث فرسودگی کارکنان می‌شود. یکی از اولویت‌هایی که ما از روز اول داشتیم، متعادل‌سازی حجم کاری کارکنان قوه قضائیه بود... وقتی ریاست محترم قوه شخصا به کار زیاد و در نتیجه فرسودگی کارکنان دستگاه قضائی باور دارند، باید فکری کرد. نگارنده بر این باورم استقلال دستگاه قضائی زمانی محقق می‌شود که این قوه ناظر بر زندگی مردم استقلال مالی هم داشته باشد.

به گفته رئیس قوه وامدار هیچ فرد و نهادی نباشد. وقتی می‌توان از پرسنل قوه قضائیه توقع داشت که مصداق قاضی مورد نظر مولا علی (ع) باشند که حکومت نیز به وظیفه خود در قبال پرسنل قضائی و اداری این نهاد عمل کرده باشد. قوه قضائیه با درجهمجموعه خود، سازمان بازرسی، سازمان ثبت اسناد و املاک، دادگاه‌ها، دفاتر اسناد رسمی، کانون‌های وکلـا کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری و دیگر نهادهای وابسته بیشترین درآمدزایی را برای خزانه دولت دارد، باید فکری به حال پرسنل به گفته رئیس محترم قوه قضائیه -فرسوده این دستگاه- به جهت کار زیاد و طاقت‌فرسا کرد. راه‌حل ساده این است که قانونی تصویب شود که درصدی از درآمد دادگستری که حسب قانون اساسی عینا باید برابر اصل ۵۳ قانون اساسی به خزانه دولت واریز شود، عینا حسب همین اصل به قوه قضائیه اختصاص پیدا کند تا به تناسب حجم کارهای زیاد به پرسنل قضائی و اداری جدای از حقوق آنان اختصاص پیدا کند و از طرفی قوه قضائیه هم این رویه و روش به‌شدت بحث‌برانگیز آمارگیری ماهانه را به اعتبار شان و جایگاه قضات پایان دهد. از روز بیست‌وپنجم هر ماه به بعد امکان آمارگیری که به آمارسازری تبدیل و تا‌سلف حجم آماری پرورنده‌های موجود را به‌شدت افزایش داده است، نمی‌توان کاری در شعبات دادگاه و دفاتر آن انجام داد، آماری که نمی‌دانم چه فایده‌ای دارد. به نقل از آیت‌الله هاشمی شاهرودی درخصوص آمار پرورنده‌های موجود در دادگستری نقل به مضمون: فرض کنید آمار چهار میلیون تکراری باشد. این برارزنده دادگستری نیست که به قضات خود بی‌اعتماد باشد و آمار کاری از آنان بخواهد و تعدادی از این آمارها غیرواقعی باشد.

ادامه در صفحه ۸

دیپلماسی

چرا احیای برجام از امضای برجام پیچیده‌تر شد

وین ۲۰۲۲، وین ۲۰۱۵ نیست



بالا برود و البته امید چندانی هم ندارد که راه مورد نظر پیشین را بعد از احیای برجام با ایران از سر بگیرد.

عزم سیاسی در تهران و واشنگتن

شاید مهم‌ترین ویژگی‌ای که تفاوت ۲۰۱۵ با ۲۰۲۲ را توضیح می‌دهد، عزم سیاسی دو طرف معطوف به موفقیت مذاکرات بود. دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، در آن زمان مصمم بود که مسئله برنامه هسته‌ای ایران را حل کند و به نتیجه برساند. علل این تصمیم البته خود بحث مفصلی است که به گرایش اوباما به تغییر رویکرد ایالات متحده در صحنه بین‌المللی مربوط است. اما نشانه‌های عزم اوباما در این مسیر آشکار بود. دولت آمریکا در آن زمان شاید جدی‌ترین چالش‌های تاریخش با اسرائیل را بر سر ایران تجربه کرد. نخست‌وزیر وقت

اسرائیل، بنیامین نتانیاهو در سایه ناراضیانی از رویکرد اوباما نسبت به ایران، بر اقدامی بی‌سابقه رسماً اسرائیل را وارد بازی‌های سیاسی داخلی ایالات متحده کرد و در انتخابات ۲۰۱۲ را رقیب جمهوری‌خواه اوباما یعنی میت رامنی حمایت کرد. او همچنین با دعوت جمهوری‌خواهان به واشنگتن رفت و در کنگره آمریکا علیه رویکرد دولت به سخنرانی پرداخت. اقدامی که برای کاخ سفید بسیار سنگین بود. اوباما در یک مرحله وقتی مذاکرات با ایران در جریان بود و اسرائیل همچنان بر طبل تهدید می‌کوبید، این پیام را به اسرائیل داد که در صورت تصمیم به حمله به ایران منتظر آمریکا نباشد. اوباما همچنین در تلاش برای موفقیت مذاکرات، دو بار، یک بار با واسطه جان کری، وزیر خارجه و یک بار مستقیماً، ویلیام برنز، دیپلمات برجسته آمریکایی را قانع کرد بازنشستگی خود را به عقب بیندازد و تا وقتی مذاکرات به مراحل پایانی نرسیده صحنه را ترک نکند. حتی زمانی گزارش شد که وقتی تیم آمریکایی خواسته در مواجهه با یک چالش و به‌عنوان مشورت، مذاکره را ترک کند و به واشنگتن برگردد، دولت اوباما با پیگیری و ارائه دستورالعمل‌های لازم از همان راه دور، مانع از این وقفه شده است. مشابه همین رویکرد در ایران هم دیده می‌شد. دولت روحانی اساساً وعده حل مسئله هسته‌ای و تحریم‌ها را در صدر مواضع کارزار انتخاباتی خود گذاشته بود و این وعده از دلایل مهمی بود که او توانست بعد از انتخابات برآدنده ۸،۸، بخشی از بدنه اصلاح‌طلبان را از قعر به پای صندوق بازگرداند. او از ابتدا

محمّدجواد ظریف را عملاً از بازنشستگی بیرون کشیده بود تا به‌عنوان متخصص ایالات متحده، علم مذاکرات را به دست بگیرد و بخش مهمی از انرژی دولت خود را صرف ایستادگی پای مذاکرات کرد، تا جایی که بعدها همین مسئله به سوزنه انتقاد کسانیی تبدیل شد که او را متهم به

روند فعلی عملکرد تیم حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه و علی باقری‌کنی، معاون سیاسی‌اش و رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران، خود در این زمینه گویاست. وزارت خارجه امیرعبداللهیان، ابتدا از رویکرد تیم قبلی فاصله می‌گیرد و سپس به آن برمی‌گردد. ابتدا خبر پیشنهاد ترونیکای به گفت‌وگوی پنج‌جانبه با حضور اتحادیه اروپا را تکذیب می‌کند و سپس دلایل رد آن را توضیح می‌دهد. باقری مصراانه از نام‌بردن از برجام سر باز می‌زند و مذاکرات را مذاکرات «رفع تحریم» می‌خواند و امیرعبداللهیان بعد از مدتی به ناچار توضیح می‌دهد که منظور همان احیای برجام است. امیرعبداللهیان یک روز از گزینه مذاکره مستقیم با ایالات متحده صحت می‌کند و روزها بعد ر رئیس‌عقب‌نشینی از صحبت خود می‌کند. بیش از تسلط و خلاقیت، آنچه از سوی تیم ایرانی می‌بینیم، سردرگمی است. در طرف مقابل نیز آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، عملاً در بحث ایران حضور چندانی ندارد و دولت متبوع او نیز هفته‌ها فرصت طلایی برای شروع مذاکرات را

با این پا و آن پا کردن و تحلیل‌های غلط درباره چشم‌انداز انتخابات ایران هدر داد و حالا هم تازه توانسته است بین رابرت مالی، مدافع جدی برجام که رئیس تیم مذاکره‌کننده شده است و ریچارد نفیو، متخصص تحریم‌ها که معاون او شده بود، انتخاب کند و «طراح» تحریم را از مذاکره «رفع» تحریم کنار بگذارد.

درک متقابل در گفت‌وگو

در تحلیل‌ها درباره علت موفقیت مذاکرات برجام اشاره شده است که مشخصاً حضور این دو وزیر خارجه و تعاملشان از عواملی بود که اگر نبود، شاید مذاکرات هیچ‌وقت به نتیجه نمی‌رسید. ظریف و کری هر دو شناخت خوبی از ملزومات صحنه گفت‌وگو داشتند و به‌خصوص ظریف آمریکا و سیاست‌مدارانش را به‌خوبی می‌شناخت. چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، هر دو طرف از عزم و جدیت طرف مقابل در رساندن کار به نتیجه خبر داشتند و این خود کمک شایانی به شکل‌گیری درک متقابلی بود که بین دو طرف ایجاد شد. هر دو طرف می‌دانستند که طرف مقابل با انگیزه به‌نتیجه‌رساندن کار پای میز آمده است. البته نکته غیرقابل‌انکار در این زمینه این است که این درک مفاهمه، حاصل مواجهه بود. این دو نفر که برای اولین‌بار به‌عنوان نمایندگان کشورهای خود در جلسه‌های رسمی در مقابل هم قرار گرفته بودند، در همان فضای مذاکرات بارها دیدارها و گفت‌وگوهای دوجانبه حضوری و تلفنی را برقرار کردند و بدون حضور واسطه و حتی طرف سومیی، مواضع یکدیگر را به‌طور مستقیم شنیدند، بدون اینکه این مواضع با منافع پیام‌رسان‌ها دچار ناخالصی شده باشد. این خود اثر بسیار قابل‌توجهی در پیشرفت و به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات از بین چالش‌ها و موانع متعدد داشت.

وضعیت فعلی اما بیشترین فاصله ممکن را با آن زمان دارد: اساساً گفت‌وگوی مستقیمی بین ایران و آمریکا وجود ندارد که قرار باشد کار به مفاهمه و درک متقابل بکشد. تیمی که جایگزین تیم ظریف شده‌اند نیز اصلاً به اندازه او آمریکاشناس نیستند، نه امیرعبداللهیان که حوزه تخصصی‌اش خاورمیانه و کشورهای عربی بوده و نه باقری که پس از سابقه حضور در تیم ناکام مذاکراتی پیش از دولت روحانی، در قوه قضائیه

بوده است.

شانس موفقیت برجام در مقابل احیای برجام

در هفته‌های گذشته، سؤال آخر همه بحث‌ها حول دیپلماسی این است که «مذاکرات درنهایت به نتیجه می‌رسد؟». بدین‌ای که در بسیاری پاسخ‌ها به این سؤال دیده می‌شود، بیره نیست. مذاکرات منتهی به برجام، با داشتن همه ویژگی‌هایی که ذکر شد و حضور عوامل دیگر، مسیری بسیار سخت و طولانی تا رسیدن به نتیجه را طی کرد و در چند مرحله تردیدهایی جدی درباره امکان موفقیت آن وجود داشت. در میانه راه همان مذاکرات، در یکی، دو نوبت، توافقات‌های موقتی تنظیم شد که از یک طرف بار سنگین توافق را چندمرحله‌ای می‌کرد و از طرفی اعتمادپذیری طرف‌های حاضر پای میز را به عرصه آزمایش می‌گذاشت. این گزینه یعنی توافق موقت که آن زمان با همراهی طرف‌های مختلف پیگیری شد، امروز خود سوزّه یکی از اختلافات جدی تا اینجای کار بین دو طرف است. مذاکرات فعلی بدون همه آن عوامل مؤثر و مثبت در حال پیگیری است و البته یک عامل منفی مهم دیگر نیز با خود دارد: مذاکرات فعلی در شرایطی انجام می‌شود که برجام با همه آن انگیزه، عزم، خلاقیت و درک متقابل که منجر به آن شد، در مقابل توان دولت غرب دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، دچار خرابی‌های بسیار شد و درحال‌حاضر درحالی برای بازسازی آن صحبت می‌شود که پیش‌بینی وضع هوا، رخداد دوباره آن طوفان را دور از احتمال نمی‌پندارد. ذات اتفاقی که برای برجام افتاد و تنش‌های مکرر پس از آن بین دو طرف که تا تئور سردار سلیمانی از سوی آمریکا و سرنگونی پهباد آمریکاییی و حمله به پایگاه نظامی آمریکا از سوی ایران پیش رفت، بدین‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و خصومت‌هایی تازه و جدی به سال‌های خصمانه پیش‌تر اضافه کرده است.

ازاین‌رو، شاید در نگاه اول به نظر برسد که روی کاغذ احیای یک توافق باید از امضای آن آسان‌تر باشد اما دنیای ۲۰۱۵ با دنیای ۲۰۲۲ آن قدر متفاوت شده است و طی‌کنندگان مسیر بازگشت به برجام آن‌قدر با راهیان جاده منتهی به برجام تفاوت پیدا کرده‌اند که مقصد معلومی به نام برجام امروز از نقطه نهایی بی‌نامی تحت عنوان توافق هسته‌ای آن زمان بعیدتر به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی شانس موفقیت مذاکرات چقدر است؟ در دنیای دیپلماسی غیرممکن وجود ندارد.

ارسال گزارش ۲۰۰ صفحه‌ای سعید جلیلی

علیه مذاکرات وین و باقری کنی

را به ضرر ایران دانسته است. جلیلی مدعی است که شرایط فعلی نباید مذاکره کرد و صرفاً باید امتیاز قابل اندازه‌گیری و قابل بررسی از آمریکایی‌ها گرفت. او این نامه را برای آیت‌الله خامنه‌ای ارسال کرده است.

احزاب آتلاین: سعید جلیلی گزارشی ۲۰۰صفحه‌ای علیه دور جدید مذاکرات نوشته و بر رهبری ارسال کرده است.

سعید جلیلی گزارشی ۲۰۰صفحه‌ای علیه دور جدید مذاکرات نوشته و روند حرکت تیم باقری‌کنی

کوتاه از دیپلماسی

ترامپ و حسرت توافق با ایران

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور پیشین آمریکا بار دیگر از سیاست‌های خصمانه دولتش علیه ایران دفاع کرد و مدعی شد که اگر در انتخابات ۲۰۲۰ پیروز می‌شد، طرف یک هفته با ایران توافق می‌کرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا طی یک سخنرانی در میان هوادارانش در ایالت تگزاس به طرح اظهاراتی ضد ایرانی پرداخت و بازمه از سیاست‌های خصمانه خود در قبال ایران دفاع کرد. ترامپ در بخشی از این سخنرانی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران را فاجعه‌آمیز توصیف کرد و گفت: ما از این توافق فاجعه‌بار خارج شدیم اما اکنون آنها (دولت بایدن) می‌خواهند به آن بازگردند. رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت که اگر او در انتخابات ۲۰۲۰ به پیروزی می‌رسید، تاکنون با ایران توافق کرده بود. اگر در انتخابات تقلب نمی‌شد و من رئیس‌جمهور شده بودم، طرف یک هفته با ایران توافق می‌کردم. تحریم‌ها داشت آنها را از بین می‌برد و من طی یک هفته بعد از انتخابات با ایران به توافق می‌رسیدم اما اکنون آنها در حال سروکله‌زدن با آمریکا هستند.

نفتالی بنت: حتی اگر توافقی صورت بگیرد، ما متعهد نخواهیم بود

● **فارس:** «نفتالی بنت» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که در ماه‌های اخیر تمام تلاش خود را برای مانع‌تراشی در مسیر مذاکرات «وین» برای لغو تحریم‌های ایران به کار گرفته، بار دیگر اظهارات خود را درباره برجام تکرار کرد و گفت که تل‌آویو به هیچ‌گونه توافق جامعه بین‌الملل با ایران پایبند نخواهد بود. وی در گفت‌وگو با روزنامه جروزالم‌پست ضمن ابراز مخالفت با هرگونه توافق با ایران گفت: «راهمبرد اسرائیل به اینکه توافقی وجود داشته باشد یا خیر، بسگی ندارد. ما خودمان از خود محافظت می‌کنیم. حتی اگر توافقی هم صورت بگیرد، ما به آن متعهد نخواهید بود. ما آزادی خود را برای آنکه اقدامی انجام دیم، حفظ می‌کنیم». این مقام صهیونیست در ارتباط با اختلاف تل‌آویو و واشگتن درباره مسئله هسته‌ای ایران گفت: «ما و آمریکا همه‌چیز را به یک منظر نگاه نمی‌کنیم». نفتالی بنت در ادامه ادعاهای بی‌اساس و بی‌منطق خود را به امید جلب حمایت‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران تکرار کرد و مدعی شد هرگونه توافقی با ایران، میلیاردها دلار در اختیار ایران قرار می‌دهد و این پول‌ها برای اقدامات تروریستی علیه نظامیان صهیونیست و آمریکایی در منطقه استفاده می‌شود.

ادامه از صفحه ۲

جهانی خطرناک‌تر از همیشه

ماه گذشته جو بایدن کنگره را از قصد خود برای حفظ همکاری آمریکا با کشورهای ثالث در آفریقا، خاورمیانه و فیلپین برای انجام عملیات‌های آتی آگاه کرد. به همین منوال، به نظر می‌رسد که بازداشت‌ها در گوانتانامو و همچنین مداخلات مختلف در کشورهای فوق‌الذکر به‌منظور مبارزه با گسترش داعش در خاورمیانه و تضمین امنیت متحدان ایالات متحده از قبیل اردن یا عربستان سعودی ادامه داشته باشد. چند روز پس از انتشار اطلاعیه ریاست‌جمهوری، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه از انتشار گزارش سالانه‌ای خبر داد که در آن ارزیابی تاریکی از: ۲۰ سال مبارزه علیه تروریسم ارائه شده است. بنا بر این گزارش‌ها، میزان نفوذ و خطرات مهلک شبکه‌های القاعده، داعش و گروه‌های وابسته به‌ویژه در غرب آفریقا، ناحیه ساحل، حوضه دریاچه چاد و شمال موزامبیک افزایش یافته است. از لحاظ پراکندگی جغرافیایی، تهدیدات تروریستی در سراسر جهان وجود دارد و تخمین تعداد گروه‌های تروریستی گویای این است که در سال ۲۰۲۱ تعداد ۶۹ سازمان تروریستی وجود داشته درحالی‌که ۲۰ سال پیش این تعداد به ۳۲ سازمان محدود می‌شده است. درک پایبندی به چنین استراتژی ناسازگاری بسیار دشوار است. بااین‌حال، این روندی است که ایالات متحده در پیش گرفته است. ۲۰ سال جنگ مملو از ابهامات تحت عنوان مبارزه با تروریسم ادامه داشته است که نتیجه آن برخلاف اهداف مورد نظر بوده و نه‌تنها باعث تضعیف ثبات دموکراسی آمریکایی شده بلکه برای سراسر جهان جنگ دائمی به‌شدت به ظهور قدرت سفیدپوستان و جنبش‌های مختلف راست افراطی در ایالات متحده دامن زده است، چنانچه در ششم ژانویه ۲۰۲۱ در کاخ کنگره آمریکا شاهد آن بودیم. سازمان امنیت داخلی آمریکا و افبی‌آی در سال ۲۰۲۱ گزارشی منتشر کردند که بر اساس آن خفونت افراطی جدی‌ترین تهدید تروریستی برای ایالات متحده معرفی می‌شود. برای پایان‌دادن به این چرخه خشونت، لغو چک سفید مجوز استفاده از نیرو نظامی» که از سال ۲۰۰۱ برای همه رؤسای‌جمهور آمریکا صادر شد و نیز لزوم تجدیدنظر در سیاست جهانی مبارزه با تروریسم آمریکا به‌منظور القای شفافیت و کنترل توسط کنگره آمریکا، بیش از هر زمان دیگری ضروری است. در این میان، آثار فاجعه‌آمیز و محسوس آن هنوز به پایان نرسیده است.